

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و سوم - بهار ۱۳۹۸

ص ص: ۱۴۵-۱۶۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۴

پیش بینی سازگاری اجتماعی براساس طرح واره های فرزندپروری و سبک های دلبستگی والد-فرزند در دختران نوجوان دانش آموز شهر تبریز

لطیفه نظامی^۱

معصومه آزموده^۲

چکیده

از عوامل مهم اجتماعی شدن فرزند، والدین هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی طرحواره های فرزندپروری و سبک های دلبستگی و رابطه آنها با سازگاری اجتماعی دختران نوجوان دانش آموز انجام شده است. جامعه آماری تمامی دختران نوجوان دانش آموز شهر تبریز با میانگین سنی ۱۶-۱۳ سال می باشد که تعداد ۱۰۰ نفر از آنها به شیوه تصادفی خوشه ای انتخاب شده و به پرسشنامه سبک های دلبستگی هاوزن و شیور و پرسشنامه سازگاری سینهها و سینگ پاسخ دادند. پرسشنامه طرحواره های فرزندپروری یانگ نیز توسط والدین پاسخ داده شد. داده های بدست آمده توسط نرم افزار SPSS با آزمونهای همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین طرحواره های فرزندپروری و سبک دلبستگی ایمن با سازگاری اجتماعی نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد و ۸۰ درصد سازگاری اجتماعی دختران نوجوان بوسیله طرحواره های فرزندپروری و سبک های دلبستگی تبیین می شود. این نتایج، ضرورت آموزش سبک های فرزندپروری مثبت و اهمیت شکل گیری دلبستگی ایمن را برای سازگاری اجتماعی نوجوانان مشخص می کند.

واژه های کلیدی: طرحواره فرزندپروری، سبک دلبستگی، سازگاری اجتماعی

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز - ایران (نویسنده مسئول)

nezamil@yahoo.com

۲ - استادیار گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران mas_azemod@yahoo.com

مقدمه

رشد اجتماعی مهمترین جنبه ی رشد وجود هر شخصی است و معیار اندازه گیری رشد اجتماعی هر کس سازگاری او با دیگران است. اساس سازگاری اجتماعی بوجود آوردن تعادل بین خواسته های خود و انتظارات اجتماع است که میتواند بر تمام ابعاد زندگی فرد تأثیر گذارد. سازگاری اجتماعی مانند رشد جسمی، عاطفی و عقلی یک کمیت پیوسته است و به تدریج به کمال میرسد و در طول زندگی به طور طبیعی و در برخورد با تجربه ها حاصل میشود.

سازگاری اجتماعی، شامل سازگاری فرد با محیط اجتماعی خود است که این سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود یا محیط بدست آید. سازگاری هیجانی، سلامت روانی خوب، رضایت از زندگی شخصی و هماهنگی میان احساسات، فعالیت ها و افکار است. توانمندی و شایستگی اجتماعی و هیجانی از عوامل تأثیرگذار بر سازگاری عقلی می باشد. (موسوی لطفی، اکبری، صفوی ۲۰۰۹).

با سپری شدن دوران کودکی و ورود به دوران نوجوانی، رشد روانی اجتماعی از تحول ساده به تحول عمیق و کیفی تبدیل میشود و نوجوان با بکارگیری مهارتهای اجتماعی، میتواند جایگاه خود را در میان مراودات اجتماعی و ارتباط با همسالان خود و بزرگسالان پیدا کند و مورد پذیرش اجتماعی قرار گیرد. موفقیت در امر پذیرش اجتماعی به سازگاری اجتماعی منجر میشود و ممکن است فرد را به مرحله ی نفوذ و رخنه ی اجتماعی برساند که سطحی بالاتر از پذیرش اجتماعی است و در این مرحله میتواند بر اطرافیان خود تأثیرگذار باشد. رخنه ی اجتماعی، فرایندی است که از طریق آن روابط آدمیان از سطح دوست داشتن به سوی صمیمیت بیشتر سیر میکنند (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد^۳ ۱۳۸۳ به نقل از پارسا مهر و حدت ۱۳۹۵)

سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقش های خود و نحوه ی عملکرد در نقش هاست که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت قبلی، فرهنگ، و انتظارات خانواده قرار دارد. عوامل متعددی در سازگاری شخصی و اجتماعی افراد نقش دارند که نظریه ها و دیدگاههای مختلف تربیتی، روانشناختی و جامعه شناختی بر آنها تأکید دارند ایواتا، نابورو و همکاران^۴ (۲۰۰۰) در مروری جامع عوامل مؤثر در سازگاری اجتماعی را به شش دسته ی عمده تقسیم می کنند که هر یک از آن ها نیز به عوامل جزئی تری تقسیم شده اند، این عوامل عبارتند از:

۱- محرومیت های جسمانی ناشی از نقص عضو، تغذیه ی نادرست و بد، محرومیت از خواب و خستگی روانی، فرایندهای عاطفی آسیب زا و آسیب های مغزی،

3 Ethkinson, Ethkinson & Hillgard

4 Iwata, Noboru

۲- عوامل روانی اجتماعی محیطی نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی نظیر بیکاری، جنگ، بلایای طبیعی، از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و اعتیاد،

۳- عوامل تربیتی نظیر الگوهای نادرست خانوادگی، فقدان رابطه ی والد کودک، طرد کردن فرزندان، حمایت افراطی، محرومیت های عاطفی، خودمختاری بیش از حد کودک، انتظارات و خواسته های غیرواقع گرایانه ی والدین و کمبود ارتباط،

۴- ساختار خانوادگی ناسازگار از جمله خانواده های بی کفایت، از هم پاشیده، ضد اجتماعی و آسیب روانی اولیه و عدم ثبات عاطفی و روانی والدین بخصوص مادر،

۵- فشارهای ناشی از زندگی جدید صنعتی مانند رقابت های ناسالم، تقاضاهای شغلی و تحصیلی و پیچیدگی های زندگی جدید

۶- عوامل ژنتیکی و ارثی نظیر اختلالات جسمی، روانی و عاطفی ارثی که زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه و ناسازگاری اجتماعی فراهم می کنند.

سلامت روان شناختی نوجوانان حوزه ی گسترده ای است که یک دامنه ی آن به شیوه های تربیتی والدین می رسد. حفظ و بهبود سلامت جسمانی- روانی و اجتماعی فرزندان از وظایف اصلی والدین به شمار می آید که تحت تأثیر نگرش ها و شیوه های تربیتی والدین قرار دارد (رضایی، ۱۳۸۷)

منظور از طرح واره های فرزندپروری والدین در این تحقیق، الگوها یا درون مایه های فراگیر و عمیقی از خاطرات و هیجان ها، شناخت واره ها، احساسات بدنی هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته اند و در مسیر زندگی تداوم دارند و به گفته یانگ این طرح واره های مربوط به سبک های فرزندپروری در دوران بعدی زندگی بر عملکرد افراد نسبت به فرزندانشان اثر می گذارد. این طرح واره های فرزندپروری یانگ با ویژگی هایی هم چون پذیرش، توجه، اعتماد، محبت به اندازه، احترام و کمک به استقلال کودک و رفتارهایی همچون منفی گرایی و اعتقاد به تنبیه، در تربیت فرزندان، محرومیت عاطفی، بازداری هیجانی، رهاکردن، بدرفتاری، شرم، شکست بی کفایتی / وابستگی، آسیب پذیری در مقابل ضرر، خود تحول نیافته، بدبینی شناخته شده است. به گفته یانگ الگوها و سبک های فرزندپروری که والدین به کار می برند بستگی به این دارد که خودشان چگونه تربیت شده اند. این طرح واره ها در طی تجارب کودکی شکل گرفته که پاسخ فرد به رخدادهای محیطی را کنترل می کند (یانگ^۵، ۱۳۸۶)

سبک های تربیتی یانگ شامل ۹ الگوی تربیتی مختلف با مجموعه ای از رفتارها و نگرش های، مختلف از سوی والدین است که بر اساس طرح واره های ناسازگار اولیه او به دست شیفلد،والر ،موری وهمکاران^۶ (۲۰۰۶) تهیه و تنظیم شده است. این سبک های فرزندپروری والدین از طریق پرسش نامه ی فرزندپروری یانگ^۷ (YPI) مورد بررسی قرار می گیرد که عبارتند از:

۱. سبک فرزندپروری محرومیت هیجانی : این الگویی است از والدین که بچه ها را از هیجان های طبیعی خود محروم می کنند. نمرات بالا در پرسش نامه ی فرزندپروری یانگ، منعکس کننده والدینی است که از طرح واره محرومیت هیجانی بیشتر استفاده می کنند. در نتیجه در پرورش هیجان های طبیعی فرزندانشان با شکست مواجه شده اند و بر عکس نمرات پایین نشان دهند ه ی رشد دادن متناسب هیجا نهی فرزندان است.

۲. سبک فرزندپروری بیش حمایت کننده: این سبک نشان دهنده الگویی است که والدین، فرصت های رشدی را از فرزندان خود دریغ می کنند. اغلب به جای فرزندانشان تصمیم می گیرند و حق انتخاب را از آنها می گیرند، بیش از حد نگران هستند و در پرورش دادن استقلال فرزندانشان با شکست مواجه شده اند.

۳. سبک فرزندپروری تحقیر کننده: این رفتارهایی است که والدین عادت دارند بچه ها را انتقاد کنند و به کمبودهای احساسی بچه ها توجهی نکنند. نمرات پایین منعکس کننده والدینی است که رفتار تحقیر کننده ندارند.

۴. سبک فرزندپروری کمال گرا: الگویی از فرزندپروری است که در آن والدین انتظارات سطح بالایی از بچه ها دارند که متناسب با توانایی های آن ها نیست. نمرات بالا نشان می دهد که این والدین از طرح واره کمال گرایی به وفور استفاده می کنند و انتظار عالی بودن را از بچه های خود دارند و معیارهای سرسختانه ای برای کودکان خود قرار می دهند. برعکس، والدینی که نمرات پایینی می گیرند، استانداردهای راحتی برای فرزندان دارند و انتظاراتشان متناسب با سطح رشدی و توانایی آن ها است.

۵. سبک فرزندپروری بدبینی / هراسناک: این سبک فرزندپروری گویای رفتارهای مضطرب و ترس در والدین است. نمرات بالا در پرسش نامه منعکس کننده ی والدینی نگران، مضطرب که دارای طرح واره ای بدبینانه و منفی به زندگی دارند. نمرات پایین نشان دهنده ی نبود این نگرشهای منفی است و در مقابل نگرشی مثبت نسبت به خودشان، دیگران و زندگی دارند.

6 Sheffield, Waller, Emanuelli

7 Young parenting Inventory

۶. سبک فرزندپروری کنترل کننده: این والدین استقلال فرزندان را کنترل یا بازداری می کنند و رشد خودپنداره در فرزندان را محدود می کنند. والدینی که نمره ی پایین می گیرند، به فرزندان اجازه می دهند که مستقل شوند و خودشان برای انجام کارها تصمیم بگیرند.

۷. سبک فرزندپروری بازدارنده عاطفی: الگویی از فرزندپروری است که طرح واره اصلی آن ها بازداری هیجانی است. نمرات بالا در پرسش نامه ی فرزندپروری یانگ، نشان دهنده توانایی ضعیف والدین در سهیم کردن فرزندان در احساساتشان است. در مقابل نمرات پایین والدینی هستند که فرزندان را در هیجانان و احساسات خود سهیم می کنند.

۸. سبک فرزندپروری تنبیه کننده: این سبک الگویی از والدینی است که نسبت به اشتباهات فرزندان خود واکنش خشونت آمیزی دارند این والدین از رفتارهای تنبیهی زیاد استفاده می کنند، نمرات پایین حاکی از والدینی سهل گیر و مهربان است که به راحتی اشتباهات فرزندانشان را نادیده می گیرند.

۹. سبک فرزندپروری شرطی / خودشیفته: شامل آن دسته از رفتارهای والدینی است که دادن پاداش مثبت به بچه ها را مشروط به موفقیت آنها می دانند. (ساربان، عیسی مراد و طبیبی ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه مفهوم الگوهای درونی کار و شیوه های ارتباطی اولیه بر سیر تحولی سلامت روان و نیز آسیب شناسی روانی اثر می گذارد و شیوه های عمده ای که بوسیله فرد با دیگران ارتباط برقرار می کند در اوان کودکی یاد گرفته می شد و تا بزرگسالی ادامه می یابد از لحاظ نظری و بنیادی پژوهش در این مورد ارزشمند است. یکی از مصادیق این الگوهای ارتباطی، دلبستگی است که در واقع بر مقاوم سازی فرد در مقابل اختلالات روانشناسی و یا آسیب پذیری فرد در مقابل اختلالات نقش اساسی دارد (بالبی^۸، ۱۹۷۳) بالبی ضمن تأکید بر اهمیت این تعامل، که از آن با نام سبک-های دلبستگی استفاده میشود، خاطر نشان میکند که آنچه برای سلامت روانی کودک ضرورت دارد، امکان تجربه یک رابطه صمیمی، گرم و مداوم با والدین، یا مراقب و جانشین دائم او میباشد. بنابر نظر وی، بسیاری از اشکال روان آزردهی و اختلال شخصیت، حاصل محرومیت کودک از مراقبت-های والدینی یا عدم ثبات در روابط کودک با فردی است که به او دلبستگی دارد (تورنر و کاندلر^۹، ۲۰۰۱ به نقل از سجادی، سراییان و شریفی در آمدی ۱۳۹۲) بر همین اساس، میتوان گفت که ضعف در دلبستگی کودک، مشکلات رفتاری بعدی او را پیش بینی میکند، به عبارتی دیگر، تحول اولیه دلبستگی کودک در تحول هیجانی-اجتماعی آتی او نقش مهمی دارد.

بالبی بر این اساس معتقد است بر پایه نوع روابط مراقب با کودک و میزان حساسیت و پاسخ دهندهگی او به نیازها، سه سبک اصلی دلبستگی در کودک شکل می گیرد و تا بزرگسالی نیز تداوم می یابد. سه سبک

8 Bowlby

9 Turner&Chandler

اصلی دلبستگی اجتنابی، ایمن و دو سو گرا نقش مهمی در جنبه های مختلف زندگی بزرگسالی ایفا می کند (بالبی، ۱۹۸۰).

بر اساس نظریه ی دلبستگی بالبی همگی کودکان، دلبستگی به مراقبت کننده راتشکیل می دهند، اما کیفیت این دلبستگی کاملاً متفاوت از یکدیگر است. کودکانی که مراقبت کننده را حساس، پاسخ ده و قابل دسترس می یابند، به دلیل برخورداری از عواطف دیگران، خود را ارزشمند دانسته و این توقع را به مشارکت کنندگان اجتماعی دیگر گسترش می دهند. در مقابل، کودکی که مراقبت کننده را غیر قابل دسترس، غیر قابل پیش بینی، و غیر پاسخ ده در می یابد، این انتظار را شکل می دهد که دیگران نیز قابل اعتماد و قابل دسترس نیستند. توقعات شخص درباره ی خود و دیگران بر اساس آن چه که بالبی به الگوهای شخص و دیگران ارجاع می دهد بر روی سراسر دوره ی نوزادی، کودکی و نوجوانی ساخته می شود. کودکانی که پیوسته مراقبت کنندگان خود را پاسخ ده و قابل دسترس می یابند، خودشان را برای انجام کنش بر روی محیط موفق دانسته و برای ارتباط با همسالان پیشقدم می شوند. (بالبی، ۱۹۶۹)

در اغلب فرهنگ ها عامل نخست اجتماعی شدن فرزند، والدین او هستند. تحقیقات مختلفی در خصوص رابطه ی شیوه های تربیتی والدین بر مهارت های اجتماعی فرزندان انجام گرفته که نتایج نشان می دهد والدین صمیمی، حمایت کننده و پذیرا، کودکانی دارند که از ارتباط بهتر با هم سالان خود برخوردارند و در مقابل، والدین سرکوب گر، متوقع و کنترل کننده که در تربیت فرزندان خود از شیوه های انضباطی شدید استفاده می کنند، فرزندان دارند که دارای پایبندترین موقعیت در ارتباط با همسالان هستند (یوسفی، ۱۳۸۶).

توزنده جانی، توکلی زاده و لگزبان (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که والدین مقتدر دارای فرزندان مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه همکاری بیشتری هستند و توانایی ابراز وجود و انگیزه ی پیشرفت بالایی دارند که چنین رویه ای به خود کارآمدی بالا منجر می شود. اما در مقابل، نوجوانانی که خود پنداره پایینی دارند از مشکل در تصمیم گیری در بزرگسالی رنج می برند. هم چنین خود کارآمدی پایینی دارند، کمتر به خود متکی هستند و به توانایی های خود اعتماد ندارند و به ندرت می توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا ابراز عقیده کنند. هم چنین در اجتماع و برقراری رابطه با دیگران و همسالان مشکلات زیادی دارند و سازگاری اجتماعی کمتری از خود نشان می دهند.

ولی زاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان سبک های والدینی و حرمت خود در بین دانش آموزان دبستانی به این نتیجه دست یافت که هر چه حمایتگری والدین بیشتر و رفتار سهل گیرانه ی آن ها کمتر باشد، حرمت خود در سطح بالاتر و در نتیجه رفتارهای مطلوب اجتماعی بیشتر است.

پژوهشگرانی هم چون بروین و اندروز^{۱۰} (۲۰۰۱)، آنیتا و تاک^{۱۱} (۲۰۰۸)، دانلپ، بورتز و برمینگام^{۱۲} (۲۰۰۰)، دومن^{۱۳} (۲۰۱۲)، براون و وایت ساید^{۱۴} (۲۰۰۹) و هامون^{۱۵} (۲۰۱۲) همگی بر نقش والدین و کیفیت ارتباط و تعامل والدین با نوجوانان در شکل گیری خودپنداره ی مثبت و افزایش خودکارآمدی و عزت نفس در نوجوانان تاکید می کنند. ارگیز و رس^{۱۶} (۲۰۰۶) انگریست، ایمبنس و روبین^{۱۷} (۱۹۹۶) بیان نمودند که سبک های فرزند پروری در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان موثر است و نتایج تحقیقات ویلدر و وات^{۱۸} (۲۰۰۲)، اسمال و لاستر^{۱۹} (۱۹۹۴)، بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندانشان میکنند، دارای فرزندانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می شوند .

برونشتین، فیتزگرالد و همکاران^{۲۰} (۱۹۹۳) در مطالعه ای حمایت والدین از بیان عواطف توسط کودکان خود را در ارتباط با سازگاری اجتماعی، سازگاری روان شناختی و عملکرد تحصیلی آنان مورد بررسی قرار دادند. آنان دریافتند که حالات عاطفی مثبت در درون خانواده از سوی والدین مانند سدی در برابر ابتلا به مشکلات روان شناختی، سازگاری و افت تحصیلی عمل می کرد.

هولین^{۲۱} (۱۹۹۶) نیز نشان داد که علت بسیاری از ناسازگاری های اجتماعی، کودکان و نوجوان مربوط به نارسایی هایی است که در رابطه ی عاطفی کودک با والدین خود بخصوص با مادر یا جانشین او وجود دارد. هوفمن، لوی شیف و همکاران^{۲۲} (۱۹۹۶) دریافتند که چنانچه کودک در منزل از نظر عاطفی تأمین نگردد و با والدین ارتباط مثبت عاطفی نداشته باشد، احتمال بروز نابهنجاری و ناسازگاری های شخصی و اجتماعی در دوره ی نوجوانی و جوانی در او افزایش خواهد یافت.

با توجه به شواهد موجود در تحقیقات انجام شده در خصوص سبک های فرزندپروری این تحقیقات نشان می دهد که وجود مشکلات رفتاری و شخصیتی نوجوانان به منزله ی روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن ها با فرزندان ارتباط دارد. در کل باید اذعان

10 Brewin, & Andrews

11 Anita & Tak

12 Dunlop, Burns & Bermingam

13 Doman

14 Brown & Whiteside

15 Hamon

16 Argys and Ress

17 Angrist, Imbens and Rubin

18 Wilder & Watt

19 Small & Luster

20 Bronstein , Fitzgerald & et

21 Hollin

22 Hofman , Levey-Shiff & et

کرد که زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ و ارتقاء سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرزندان و خانواده دارند. بنابراین انجام تحقیقاتی در این زمینه به منظور آگاه ساختن والدین در خصوص تأثیر نگرش های تربیتی آنها بر ابعاد مختلف سلامت روانی-اجتماعی فرزندان ضروری به نظر می رسد.

مطالعه مبانی فوق الذکر، ما را به بررسی این مسئله میکشاند که آیا سبک-های ارتباطی والدین با فرزندان مانند سبک فرزند پروری و سبک دلبستگی، در دوران کودکی و نوجوانی، ممکن است یک پیش بینی کننده و یا یک همبسته مرتبط با ناسازگاریهای بعدی همچون ناسازگاری اجتماعی باشد؟ پژوهش حاضر درصدد است تا نقش و تأثیر سبک فرزندپروری و سبک دلبستگی والد-فرزند را بر سازگاری اجتماعی نوجوانان بررسی کند از طرحواره های مرتبط با سبک های فرزندپروری، تعداد ۷ طرحواره (محرومیت هیجانی، وابستگی، کمال گرایی، بازداري هیجانی، تنبیه، توجه و منفی گرایی) که تبیین کننده اکثر سبک های فرزندپروری هستند برای مطالعه در این پژوهش انتخاب شدند. فرضیه های تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- بین طرحواره های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی دختران نوجوان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک های دلبستگی والد-فرزند و سازگاری اجتماعی دختران نوجوان رابطه وجود دارد.
- ۳- طرحواره های فرزندپروری والدین و سبک های دلبستگی والد-فرزند، سازگاری اجتماعی دختران نوجوان دانش آموز را پیش بینی می کنند.

روش

تحقیق حاضر مطالعه ای توصیفی-کاربردی از نوع همبستگی می باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل تمامی دانش آموزان دختر مقطع دوره اول دبیرستان شهرستان تبریز با میانگین سن ۱۶-۱۳ سال می باشد. از این جامعه آماری ۱۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شده و به پرسشنامه های مربوطه پاسخ دادند. والدین دانش آموزان نیز در این تحقیق شرکت داشتند.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسش نامه فرزندپروری یانگ (YPI):

پرسش نامه ی فرزندپروری یانگ ابزار اولیه برای شناسایی ریشه های دوران کودکی طرح واره است، در سال ۲۰۰۳ یانگ این پرسش نامه را تهیه کرده است. این پرسش نامه ۷۲ عبارت دارد که در آن پاسخ دهنده پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که با وی داشته اند، در یک مقیاس شش درجه ای رتبه بندی می کند. این ابزار دارای ۱۷ زیر مقیاس محرومیت عاطفی، رها کردن، بی اعتمادی / بدرفتاری، نقص / شرم، شکست، وابستگی / بی کفایتی، آسیب پذیری در مقابل ضرر یا آسیب، خود تحول نیافته / گرفتار، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق / بزرگ منشی، خویش ننداری و خود انضباطی ناکافی، پذیر شجویی / جلب توجه، منف یگرایی / بدبینی و تنبیه. هریک از این زیر مقیاس ها ریشه های محتمل برای هر یک از طرح واره ها را نشان می دهند. میزان پایایی این پرسش نامه در سایر پژوهش های انجام شده، با ضریب ۰/۷۰ / آلفای کرونباخ به دست آمده است. به منظور بررسی روایی سازه پرسش نامه فرزندپروری یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسش نامه طرح واره یانگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین نمرات دو مقیاس همبستگی معناداری وجود دارد، که این مطلب حاکی از اعتبار سازه این آزمون است. این پرسش نامه در ایران نوعی (۱۳۷۸ به نقل از ساربان، عیسی مراد و طیبی ۱۳۹۲) به منظور بررسی رابطه طرح واره های مربوط به سبک های فرزندپروری با بیماران وسواس جبری اجرا کرده است که روایی آن ۰/۸۰ به دست آمده است.

۲- پرسش نامه سبک دلبستگی (AAQ)^{۲۳}

این پرسشنامه دارای ۱۵ پرسش است و توسط هاوزن و شیور^{۲۴} (۱۹۸۷، ۱۹۹۰) ارایه شده است، این ابزار بوسیله رحیمیان بوگر (۱۳۸۳) بر روی پرستاران بیمارستان های دولتی شهر اصفهان هنجار یابی شده است. این پرسشنامه در یک مقیاس ۵ گزینه ای (هرگز تا تقریباً همیشه) پاسخ داده می شود. نمره خرده مقیاس های دلبستگی با محاسبه میانگین ۵ پرسش هر خرده مقیاس به دست می آید. پنج ماده پرسشنامه به سبک دلبستگی ایمن، پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی اجتنابی و پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی دو سو گرا می باشد. تحلیل عامل پرسش نامه هاوزن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولینزو رید (۱۹۹۰) به نقل از رحیمیان بوگر (۱۳۸۳)، استخراج سه عامل عمده را در پی داشت که پژوهشگران آنها را به عنوان ظرفیت ایجاد روابط صمیمی و نزدیک معرفی نموده اند. هنز و شیور (۱۹۸۷) پایایی باز آزمایی کل این پرسشنامه

23 Adult Attachment styles Questionnaire

24 Hazan & Shaver

را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ گزارش نمودند. کولینز و رید^{۲۵} (۱۹۹۰) به نقل از رحیمیان بوگر (۱۳۸۳) پایایی آن را با آلفا کرونباخ ۰/۷۹ بدست آوردند. در پژوهش رحیمیان بوگر (۱۳۸۳) ضریب آلفا کرونباخ ماده های هر یک از زیر مقیاس های این پرسشنامه برای کل آزمودنی ها ($n=40$) در خرده مقیاس سبک ایمنی ۰/۷۷، در خرده مقیاس سبک اجتنابی ۰/۸۱، در خرده مقیاس سبک دوسوگرا ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد. اعتبار محتوایی و صوری این پرسشنامه با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های ۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضریب همبستگی از ۷۵ درصد تا ۸۳ درصد برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۷ تا ۰/۸۰، برای سبک دلبستگی اجتنابی و ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دو سوگرا بدست آمد. در بررسی روایی همزمان این ابزار با برنامه محاسبه دلبستگی بزرگسالان ضریب همبستگی برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۹، برای سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۸۴ درصد و برای سبک وابستگی دو سوگرا ۰/۸۷ به دست آمد. روایی همزمان کل آزمون $I=0.80$ به دست آمد. ضریب همبستگی پایایی بازآزمایی بین نمره های آزمون ها ($n=40$) بلا فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها ۰/۹۴ محاسبه شد.

۳- پرسشنامه سازگاری دانش آموزان (AISS)^{۲۶}:

این پرسشنامه توسط سینها و سینگ^{۲۷} (۱۹۹۳) به نقل از کرمی (۱۳۷۷) تدوین شده است و توسط کرمی (۱۳۷۷) ترجمه و نگارش شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ سؤال می باشد و به صورت بله و خیر طراحی گردیده است و دانش آموزان با سازگاری خوب را از دانش آموزان ضعیف در سه حوزه ی سازگاری (اجتماعی، هیجانی و تحصیلی) جدا می کند. در این پرسشنامه برای پاسخ های نشانگر سازگاری در هر سه حوزه نمره صفر و در غیر این صورت نمره ۱ منظور می گردد. با افزایش نمرات، میزان سازگاری کمتر می شود. پایایی کل پرسشنامه ی سازگاری دانش آموزان دبیرستانی در سه روش دو نیمه کردن، آزمون-بازآزمون و کودر-ریچاردسون، به ترتیب ۰/۹۳/۹۵، ۰/۰۹۴ و ۰/۹۴ به دست آمده است (سینها و سینگ، ۱۳۷۷).

در پژوهش نویدی (۱۳۸۷) نیز پرسشنامه ی یاد شده، بر روی ۱۶۴ نفر دانش آموز پسر دبیرستانی اجرا شد و ضرایب پایایی بر پایه ی آلفای کرونباخ به عنوان شاخص پایایی برای سازگاری کلی برابر ۰/۸۲ و برای سازگاری آموزشی، عاطفی و اجتماعی به ترتیب برابر ۰/۶۸/۷۰ و ۰/۶۵ به دست آمد

پورشهریار و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود، ضریب روایی درونی (همگونی) سازگاری کل را برای هفتاد آزمودنی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، ۰/۹۱ اعلام نمودند. روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه، توسط سه نفر از اساتید مشاوره، روانسنجی و آمار تأیید شده است. اساتید فوق الذکر تأیید

25 Collins & Read

26 The Adjustment Inventory for School Student

27 Sinha & Singh

کرده‌اند که این پرسشنامه برای سنجش سازگاری در سه حوزه‌ی عاطفی، اجتماعی و آموزشی برای دانش-آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی قابل تأیید است (صفوی، موسوی لطفی و لطفی، ۱۳۸۸). در این مطالعه نمرات بدست آمده از حوزه سازگاری اجتماعی این پرسشنامه استفاده شده است.

روش اجرا: بعد از توضیحات داده شده توسط محقق، دانش آموزان پرسش نامه های مورد نظر را پر کردند، پرسش نامه طرحواره فرزند پروری یانگ توسط والدین پاسخ داده شد. داده ها بعد از جمع آوری، با برنامه آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پیش بین (طرح واره های فرزندپروری و سبک های دلبستگی) و متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم زمان استفاده گردید.

یافته های پژوهش

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیر ها

ردیف	متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
1	محرومیت هیجانی	۱۷/۶۶	۷/۵۴	۱										
2	وابستگی	۱۲/۴۸	۳/۹۲	۰/۷۶**	۱									
3	بازداری هیجانی	۱۶/۲۰	۶/۰۵	۰/۷۲**	۰/۶۴**	۱								
4	منفی گرایی	۱۳/۷۹	۵/۰۸	۰/۵۶**	۰/۵۲**	۰/۵۹**	۱							
5	کمال گرایی	۲۲/۰۹	۹/۷۵	۰/۶۵**	۰/۵۵**	۰/۶۴**	۰/۵۵**	۱						
6	توجه	۱۳/۵۶	۵/۴۳	۰/۵۶**	۰/۵۰**	۰/۵۱**	۰/۵۸**	۰/۷۴۵**	۱					
7	تنبیه	۱۲/۰۸	۵/۴۳	۰/۵۲**	۰/۵۰**	۰/۵۰**	۰/۵۸**	۰/۵۷۵**	۰/۵۸۵**	۱				
8	سازگاری اجتماعی	۵/۸۴	۳/۱۵	۰/۷۸**	۰/۶۲**	۰/۶۹**	۰/۶۶**	۰/۷۲**	۰/۶۳**	۰/۶۸**	۱			
9	سبک اجتنابی	۱۰/۸۱	۴/۲۲	۰/۵۲**	۰/۴۳**	۰/۳۸**	۰/۳۹**	۰/۵۲**	۰/۴۸**	۰/۳۴**	۰/۵۷**	۱		
10	سبک ایمن	۱۴/۱۰	۵/۰۱	۰/۰۶**	۰/۵۸**	۰/۵۲**	۰/۵۳**	۰/۴۳**	۰/۴۳**	۰/۵۸**	۰/۶۸**	۰/۴۳**	۱	
11	سبک دوسوگرا	۱۱/۶۵	۴/۰۲	۰/۴۴**	۰/۳۱**	۰/۳۹**	۰/۳۰۲**	۰/۲۶۷**	۰/۲۰۶*	۰/۳۱**	۰/۴۶**	۰/۳۸**	۰/۴۵**	۱

نتایج جدول (۱) نشان می دهد که طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده، بین طرحواره های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین بر اساس نتایج بین سبک های دلبستگی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد ($P < 0/05$). این نتایج فرضیه اول و دوم تحقیق را تایید می کنند.

جدول ۲. ضرایب رگرسیون سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره های

فرزند پروری و سبک های دلبستگی

متغیرهای مدل	Beta	t	معناداری	بررسی همخطی بودن		R	R ²	R ² adj
				آماره تلورانس	VIF			
مقدار ثابت	-	۰/۲۴۲	۰/۸۰۹	-	-			
محرومیت هیجانی	۰/۲۸۴	۳/۰۲۴	۰/۰۰۳	۰/۲۵۶	۳/۹۰۳			
وابستگی	-۰/۰۹۸	-۱/۲۶۶	۰/۲۰۹	۰/۳۷۵	۲/۶۶۷			
بازداری هیجانی	۰/۱۳۹	۱/۸۵۴	۰/۰۶۷	۰/۳۹۹	۲/۵۰۴			
منفی گرایی	۰/۰۷۸	۱/۱۰۷	۰/۲۷۱	۰/۴۵۰	۲/۲۲۳			
کمال گرایی	۰/۲۰۹	۲/۴۶۹	۰/۰۱۵	۰/۳۱۴	۳/۱۸۲	۰/۸۹۴	۰/۷۹۹	۰/۷۷۶
توجه	۰/۰۰۹	۰/۱۱۵	۰/۹۰۸	۰/۳۸۶	۲/۵۸۸			
تنبیه	۰/۱۸۳	۲/۶۵۶	۰/۰۰۹	۰/۴۷۸	۲/۰۹۴			
سبک اجتنابی	۰/۰۹۸	۱/۵۹۶	۰/۱۱۴	۰/۶۰۳	۱/۶۶۰			
سبک ایمن	-۰/۱۸۱	-۲/۵۸۹	۰/۰۱۱	۰/۴۶۰	۲/۱۷۳			
سبک دوسوگرا	۰/۰۵۹	۱/۰۲۴	۰/۳۰۹	۰/۶۹۱	۱/۴۴۷			

بر اساس نتایج جدول (۲)، تقریباً ۸۰ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره های فرزند پروری و سبک های دلبستگی تبیین می شود. از بین متغیرهای پیش بین طرحواره های محرومیت هیجانی، کمال گرایی، تنبیه دارای ضریب رگرسیون مثبت و معنادار می باشند. و سبک دلبستگی ایمن دارای ضریب رگرسیون منفی و معنادار با نمرات سازگاری اجتماعی می باشد. این نتیجه فرضیه سوم تحقیق را تایید می کند.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره های فرزند پروری

متغیرهای مدل	Beta	t	بررسی همخطی بودن		معناداری	R ²	R	R ² adj
			آماره VIF	تلوران س				
مقدار ثابت	-۳/۱۶۹	-۰/۰۰۲						
محرومیت هیجانی	۰/۳۹۳	۴/۱۵۷	۰/۲۸۵	۰/۰۰۱		۳/۵۰۴		
وابستگی	-۰/۰۶۶	-۰/۸۲۰	۰/۳۹۲	۰/۴۱۴		۲/۵۴۸		
بازداری هیجانی	۰/۱۴۴	۱/۸۱۷	۰/۴۰۷	۰/۰۷۳		۲/۴۶۰	۱۸۷۵	۷۴۸
منفی گرایی	۰/۱۱۸	۱/۵۹۱	۰/۴۶۴	۰/۱۱۵		۲/۱۵۵	۰	۰/
کمال گرایی	۰/۱۹۶	۲/۲۳۳	۰/۳۳۱	۰/۰۲۸		۳/۰۱۹		
توجه	۰/۰۱۸	۰/۲۲۴	۰/۳۹۹	۰/۸۲۳		۲/۵۰۳		
تنبیه	۰/۲۴۵	۳/۵۴۷	۰/۵۳۶	۰/۰۰۱		۱/۸۶۶		

بر اساس نتایج جدول (۳)، ۷۶ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره های فرزند پروری تبیین می شود. از بین متغیرهای پیش بین طرحواره های محرومیت هیجانی، کمال گرایی و تنبیه دارای ضریب رگرسیون معنادار با سازگاری اجتماعی می باشد.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون سازگاری اجتماعی بر اساس سبکهای دلبستگی

متغیرهای مدل	Beta	t	بررسی همخطی بودن		معناداری	R ²	R	R ² adj
			آماره VIF	تلوران س				
مقدار ثابت	-	۴/۸۷۵			۰/۰۰۱			
سبک دلبستگی اجتنابی	۱/۳۰۸	۴/۰۳۲	۱/۷۶۶	۰/۰۰۱		۱/۳۰۶		
سبک دلبستگی ایمن	-۱/۴۹۱	-۶/۲۲۰	۱/۷۱۸	۰/۰۰۱		۱/۳۹۲	۰/۷۵۵	۰/۵۵۷
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱/۱۲۷	۱/۶۴۳	۱/۷۵۲	۰/۱۰۴		۱/۳۳۰		

بر اساس نتایج جدول (۴)، ۵۷ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس سبکهای دلبستگی تبیین می‌شود. با توجه به نتایج سبک اجتنابی و ایمن دارای ضریب رابطه معنادار با سازگاری اجتماعی می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر ضمن تایید فرضیه‌های تحقیق نشان داد که ۸۰ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی تبیین می‌شود. براساس پرسشنامه یانگ (YPI) نمرات بالا در طرحواره‌های فرزندپروری نشان دهنده نگرش‌های تربیتی منفی والدین و نمرات پایین نشان دهنده نگرش‌های تربیتی مثبت می‌باشد. به گفته یانگ (۱۹۹۴) این باورهای منفی والدین باعث می‌شود که فرزندان در به کارگیری مهارت‌های اجتماعی ضعیف عمل کنند و از برقراری روابط نزدیک با دوستان و همسالان به خاطر ترس از مواجه شدن با نقص‌ها و کمبودهای خود، اجتناب کنند و اغلب ترجیح می‌دهند که در کارها و بحث‌های گروهی شرکت نکنند از ترس این که مبادا در جمع مورد تمسخر سایرین قرار بگیرند. این رفتارهای اجتنابی در نهایت ممکن است به قرنطینه اجتماعی منجر شود (شیفیلد، ۲۰۰۶). در این پژوهش بین نمرات طرحواره‌های محرومیت هیجانی، کمال‌گرایی و تنبیه با نمرات سازگاری اجتماعی رابطه مثبت و معنادار بدست آمد و مشخص شد که ۷۶ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس طرحواره‌های فرزند پروری تبیین می‌شود که نشان دهنده آن است که نمرات بالا در سبک‌های فرزندپروری کمال‌گرا و سبک فرزندپروری محرومیت هیجانی و تنبیه باعث سازگاری اجتماعی کمتر در نوجوانان می‌شود. (نمرات بالادر پرسشنامه سازگاری نشان دهنده سازگاری پایین است). بعنوان مثال طرحواره کمال‌گرایی که در سبک تربیتی کمال‌گرا دیده می‌شود باعث افزایش انتظارات والدین از نوجوانان می‌شود که در اثر برآورده نشدن این انتظارات از یک طرف و سرزنش والدین از طرف دیگر، نوجوان بتدریج اعتماد به نفس خود را از دست داده و در نتیجه تعاملات اجتماعی خود را کمتر می‌کند. نتایج تحقیقات ساربان و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که بین طرح‌واره‌های فرزندپروری و تعامل اجتماعی بچه‌ها، رابطه عکس وجود دارد به این معنا که هرچه طرح‌واره‌های منفی فرزندپروری بیشتر باشد میزان تعامل اجتماعی کم‌تر است که با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

تحقیقات والکر^{۲۸} (۲۰۱۱)، به نقل از ساربان و همکاران (۱۳۹۲) در زمینه‌ی تأثیر نگرش‌های تربیتی مثبت و منفی والدین بر ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوانان نیز تأیید کننده‌ی یافته‌های پژوهش حاضر است. او نگرش‌های مثبت والدین را شامل: پذیرش والدینی، استقلال‌روانی - منطقی و دانش والدینی می‌پنداشت. در مقابل نگرش‌های منفی را کنترل‌روانی - منطقی، نظم شدید و نظم ناهماهنگ بین والدین می‌دانست که در بروز رفتارهای انحرافی، پرخاشگری و افسردگی نقش مهمی دارند. هم‌چنین آیتا و تاک (۲۰۰۸) با انجام تحقیقی در رابطه با سبک‌های تربیتی و پیامدهای آن در زندگی نوجوانان نشان داد

که سبک فرزندپروری تأثیر اساسی و مهم و در عین حال پنهان با ابعاد سلامت نوجوان از جمله عزت نفس، خوشبختی فردی، سلامتی و رفتارهای نامطلوب اجتماعی و مشکل ساز دارد.

همچنین نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که ۵۷ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بر اساس سبکهای دلبستگی تبیین می شود و رابطه معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با سازگاری اجتماعی نوجوانان وجود دارد. رابطه سبک دلبستگی اجتنابی با نمرات سازگاری اجتماعی رابطه معنی دار و مثبت و رابطه سبک دلبستگی ایمن با نمرات سازگاری اجتماعی معنی دار و منفی می باشد. بدین معنی که سبک دلبستگی ایمن می تواند پیش بینی کننده سازگاری اجتماعی خوب در نوجوانان باشد و از طرف دیگر سبک های دلبستگی ناایمن می تواند باعث سازگاری اجتماعی پایین وضعیف گردد. (نمرات پایین در پرسشنامه سازگاری، نشان دهنده سازگاری خوب می باشد).

طبق نظریه بالبی (۱۹۷۳)، کودکانی که پیوسته مراقبت کنندگان خود را پاسخ ده و قابل دسترس می یابند (دلبستگی ایمن)، خودشان را برای انجام کنش بر روی محیط موفق دانسته و برای ارتباط با همسالان پیشقدم می شوند.

نتایج تحقیق، یوسفی (۱۳۸۶) در زمینه ی بررسی رابطه ی سبک های تربیتی والدین با جنبه های مختلف خودپنداره نشان داد که ادراک از خانواده به عنوان صمیمی و حمایت کننده، پیش بینی کننده ی تمامی جنبه های خودپنداره ی دانش آموزان از جمله اطمینان کلی و برداشت مثبت از خود، هدف مدار مثبت در مدرسه و سازگاری مثبت با مدرسه است

نتایج تحقیقات برونشتین و همکاران (۱۹۹۳)، هولین (۱۹۹۶)، هوفمن و همکاران (۱۹۹۶) با یافته های این تحقیق همسو بوده و نشان می دهد که چنانچه کودک در منزل از نظر عاطفی تأمین نگردد و با والدین ارتباط مثبت عاطفی نداشته باشد، احتمال بروز نابهنجاری و ناسازگاری های شخصی و اجتماعی در دوره ی نوجوانی و جوانی در او افزایش خواهد یافت. پژوهشگرانی هم چون بروین و اندروز (۲۰۰۱)، آیتا و تاک (۲۰۰۸)، دانلوپ و همکاران (۲۰۰۰)، دومن (۲۰۱۲)، براون و وایت ساید (۲۰۰۹) و هامون (۲۰۱۲) همگی بر نقش والدین و کیفیت ارتباط و تعامل والدین با نوجوانان در شکل گیری خودپنداره ی مثبت و افزایش خودکارآمدی و عزت نفس در نوجوانان تأکید می کنند. ونیز ارگیز و همکاران (۲۰۰۶) انگریست و همکاران (۱۹۹۶) بیان نمودند که سبک های فرزند پروری در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان موثر است و نتایج تحقیقات ویلدرو و والت، (۲۰۰۲)؛ اسمال و لاستر (۱۹۹۴)، بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندانشان میکنند، دارای فرزندان هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می شوند .

براساس نتایج پژوهش حاضر می توان این نتیجه را گرفت که والدینی که در سبک تربیتی خود از طرحواره های محرومیت هیجانی، کمال گرایی و تنبیه بیشتر استفاده کرده بودند فرزندان با سازگاری

اجتماعی پایین وضعیت داشتند و در مقابل، والدینی که نمرات طرحواره های فرزندپروری آنها از طریق پرسشنامه یانگ، پایین گزارش شد دارای نگرش تربیتی مثبت تری در مقایسه با گروه قبلی داشته و فرزندانی با سازگاری اجتماعی خوب داشتند که امکان تعاملات سازنده با اجتماع و همسالان را فراهم می کند.

بر اساس یافته دیگر پژوهش می توان نتیجه گیری کرد که سبک دلبستگی افراد می تواند در بزرگسالی بر خلق و خوی آنها تاثیر بسزایی داشته باشد همچنین می توان گفت دلبستگی با یک فرد خاص، لازم تحول سالم در فرد است و تجربه دلبستگی ایمن در کودکی لازمه سلامت روانی در بزرگسالی است. از سوی دیگر، رابطه دلبستگی نا ایمن، در نهایت ویژگی شخصیتی بی اعتمادی، گوشه گیری، مشکلات در زمینه برقراری اعتماد و همدلی و همدردی و تعامل با دیگران را در پی دارد. تجربه های مربوط به پیوند عاطفی کودک - مادر در مراحل مختلف زندگی نسبتاً پایدار می ماند و می تواند در صورت وجود پایگاه ایمن، احساس آرامش به وجود آورد و در صورت پایگاه نا ایمن دلبستگی، سلامت روانی را به خطر اندازد.

محدودیت های پژوهش

۱. عدم امکان کنترل متغیر های مداخله کننده از قبیل شرایط محیطی، وضعیت عاطفی و مسائل خاص شخصی آزمودنی ها
۲. محدودیت در تعمیم پذیری نتایج حاصل به جوامع مختلف

پیشنهاد های پژوهش

۱. در پژوهش های بعدی متغیرهایی که در پژوهش حاضر کنترل نشده است، کنترل شود.
۲. انجام این پژوهش در جوامع دیگر نظیر استان های مختلف.

پیشنهاد های کاربردی

نتایج این پژوهش کمک می کند تا با شناخت عوامل موثر بر ناسازگاری نوجوانان به ویژه در محیط خانواده و اجتماع، از به خطر افتادن بهداشت روان نوجوانان و هدر رفتن انرژی این قشر پر نشاط و آینده ساز جلوگیری شود. همچنین می توان با به کار بست یافته های چنین پژوهشی در برنامه ریزی برنامه های آموزشی برای زوج های جوان به منظور آشنا کردن آنها با انواع شیوه های فرزندپروری و اهمیت شکل گیری دلبستگی والد - فرزند بهره جست.

Referens

Angrist, J. D., Imbens, G. W. and Rubin, D.B. (1996). Identification of causal effects usin instrumental variables. **Jurnal of the Amrican statistical Association**. 91, 444-555.

Anita, K. W. & Tak, Chan. (2008). **Parenting and Youth outcomes in the UK**. University of Oxford.

Argys, L. M. and Ress, D. I. (2006). **Birth order and Risky adolescent behavior**.

Bowlby, J. (1969) **Attachment and loss: Vol. I. Attachment**. New York: Basic Books.

Bowlby, J. (1973). **Attachment and loss: separation**. New York: Basic Books.

Bowlby, J. (1980) **Attachment and loss: sadness and depression**. New York: Basic Books.

Brewin, C. R & Andrews, B. (1996). Intergenerational links and positive self-cognitions: Parental correlates of optimism, learned resourcefulness and self-evaluation. **Cognitive Therapy and Research**, 20(3), 247-263.

Bronstein, P., Fitzgerald, M., Briones, M., & Pieniadz, J.(1993). Family Emotional Expressiveness as a predictor of early adolescent social and Psychological adjustment. **Journal of Early Adolescence**, 13(4), 448-471

Brown, A. M. & Whiteside, S. P. (2008). Relations among perceived parental rearing behavior ,attachment style ,and worry in anxious children. **Journal of Anxiety Disorders**, 22(2), 263-272.

Doman, A. F. (2000). Predictors of adolescent runaway behavior, **social behavior and Personality**, 28(3), 261-268.

Dunlop, R., Burns, A. & Bermingam, S. (2001). **Parents-child relations and adolescent self Economic Inqiry**. 44, 215-233.

Hamon, J. D. & Schrodtd, P. (2012). Do Parenting Styles Moderate the Association Between Family Conformity Orientation and Young

Adults' Mental Well-Being? **Journal of Family Communication**, 12(2), 151-166.

Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987) Romantic love conceptualized as an attachment process. **Journal of Personality and Social Psychology**, 52, 511-524.

Hofman, M.A., Levey-Shiff, R., & Malinski, D.(1996). Stress and adjustment in the transition to adolescence. **Journal of Youth and Adolescence**, 25(2), 160-169.

Hollin, C.R.(1996). **Handbook of Social Skills Training**. UK: University of Leicester.

Iwata.J.N.: Noboru, K., Higuchi, M., & Hiana, R.J. (2000). response of Japanese and American students to the Anxiety and social skills question air. **Journal of Personality Assessment**, 74(1), 48-62.

Mousavi-Lotfi, M, Akbari, V & Savafi, M. (2009). **Why Emotional Intelligence?** Qum. Qum university of Medical Sciences Press.

Navidi, Ahad. (2005). Evaluation of the implementation of a pilot project for the establishment of educational complexes in the country (research project). Tehran: **Research Institute of Education**. (In Persian).

Parsamehr, Mehraban& Haddat, Elaheh. (1395). The Relationship between Emotional Intelligence and Social Adjustment of Students, **Journal of Social Development**, 11 (2), 94-65. (In Persian)

Purshahehriari, Hossein, Rasoulzadeh Tabatabaei, Kazem, Khodaparnahi, Mohammad Karim, Kazemnejad, Anooshiravan & Khfari, Soraya. (2008). The Relationship Between Adjustment Levels and Personality Traits in Adolescents. **Journal of Behavioral Sciences**, 2 (3), 106-97.(In Persian)

Rahimian Booger, Ishaq. (2005). Adult Attachment Styles with Satisfaction and Job Stress in Nurses. **Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology**, 13 (2), 157-148. (In Persian)

Rezai, Moosa. (1387). New family and attitudes towards the education of children (from primary to university). Tehran: *Daneshpour Publishing*. (In Persian)

Safavi, Mahbubeh, Mousavi Lotfi, Seyedeh Maryam & Lotfi, Reza. (2009). Correlation between Emotional Intelligence and Emotional and Social Adaptation in Students of Pre-Elementary School Girl in Tehran during the academic year of 2007-2008. *Pazhuhandeh Magazine*, 14 (5), 261-255. (In Persian)

Sarban, Hamideh, Isa Morad, Abolqasem & Tabibi, Zahra. (1392). Relationship between parents 'educational attitudes and the psychosocial health dimensions of girls' teens, *Journal of Psychology*, 2 (3), 124-97. (In Persian)

Sharifi Daramadi, Parviz. (1392). Comparison of juvenile aggression based on parenting styles and parent-child attachment styles. *Scientific Journal of the Medical Council of the Islamic Republic of Iran*, 31 (4), 306-298. (In Persian)

Sheffield, A., Waller, G., Emanuelli, F., Murray, J. & Caroline, M. (2006). Links Between Parenting and Core Beliefs: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 787-802.

Sinha, E, K, B & Singh, R, B. (1993). A Guide to Adaptation Questionnaire for High School Students. Translation by Abolfazl Karami (1998). Tehran: *Sinai Ravan Tajhiz Institute*. (In Persian).

Sajjadi, Mozghan, Sarabiyan, Saeed & Small, S. A., & Luster, T. (1994). Social information processing factors in reactive and proactive Aggression in children,s peer gurops. *Journal of personality and Social Psychology*. 82, 835–848.

Tuzandejani, Hassan, Tavakkoli Zadeh, Jahanshir& Valeghzian, Zahra. (2011). The Effectiveness of Parenting Parenting Practices and Mental Health of the Humanities Students of Payame Noor and Azad University of Neyshabour. *Journal of Gonabad University of Medical Sciences and Health Services*, 17 (2), 64-56. (In Persian)

Vafaiyan, M. (1385). *The Relationship between Attachment Style and Social Skills of Pre-university Students in Yazd*. Thesis Master of Psychology, University of Isfahan. (In Persian)

Valizadeh, Shirin. (1390). Parenting styles and academic achievement: the role of self-mediating self-esteem or self-respect? *Journal of Developmental Psychology, Iranian Psychologists*, 8 (30), 155-143. (In Persian)

Wilder, EI. & Watt, TT. (2002). Risky parental behavior and adolescent sexual. Activity at first coitus. *Milbank Quarterly*. 80, 481-524.

Young, J.E.(1994). **Young Parenting Inventory**. New York: Cognitive Therapy Center of New York

Young, J,E.Klosko, J,S. & Weisgaar, M. (2007). *Applied Therapy Scheme for Clinical Specialists*, Hasan Hamidpour and Zahra Andouz, Tehran, **Arjmand Publication**.(In Persian)

Yousefi, Farideh. (1386). Relationship between parental parenting style and social skills and aspects of self-concept of high school students. *Daneshvar magazine (special articles of psychology)*, 14 (22), 37-46.(In Persian)